

تحلیل و بررسی علل تقابل یهودیان حجاز نسبت به دعوت اسلامی در عصر پیامبر اسلام (ص)

ارسلان ایلکا^۱، محسن حیدرنیا^۲ صابر اداک^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
^۲ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤل)
mo.heydarnia42@gmail.com

^۳ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسؤل: mo.heydarnia42@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

چکیده

یهودیان معاصر پیامبر (ص) با پندار راست کیشی و باور به خدای یگانه، انتظار پیامبر و منجی موعودی را داشتند که در عهد عتیق به نام و ویژگی های او اشاره شده بود. به نظر می رسد چنین شناختی تعیین بخش شیوه کنشگری هم گرایانه با پیامبر (ص) باشد. اما با خوانش روایت های تاریخی و روایی، نحوه روی آوری یهودیان به گونه دیگر گزارش شده است که همین امر ضرورت بحث را بیشتر آشکار کرده است. سوال اساسی این است که با وجود این شناخت چرا بیشتر یهودیان در هم کنشی با پیامبر (ص) رویه خصمانه را پیشه ساختند و در گامی فراتر علی رغم پیمان ترک تعرض با پیامبر (ص)، چرا به آن وفادار نماندند؟ یافته های این پژوهش نشان می دهد، یهودیان که روح حاکم بر کیش آنان مبتنی بر نژاد و قومیت خواهی است با درک استقلال اسلام از یهود از طریق مجادلات با پیامبر (ص) و بروز تعارضات فکری از جمله الوهیت حضرت عزیز، بشری خواندن قرآن، میکائیل به جای جبرئیل به عنوان مأمور وحی و غیره، شیوه کنشگری خصمانه را در پیش گرفته اند. ترس از بیرون رانده شدن رسالت از خاندان بنی اسرائیل و انتقال به خاندان اسماعیل بستر ساز شیوه مواجهه آنان با اسلام و آموزه های آن را ایجاد کرد. این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی و با شیوه کتابخانه ای به روایت های تاریخی نگریسته و با عنایت به قرینه های همبسته به متن و زمینه، انگیزه های حسادت جویانه برخاسته از قومیت گرایی و تعارضات فکری را به عنوان دو عامل کنشگری یهودیان بررسی کرده است.

کلیدواژه: دعوت اسلامی، پیامبر اسلام (ص)، یهودیان حجاز، نژاد پرستی.

مقدمه

یهودیان ساکن حجاز از جمله سه قبیله ی سرشناس بنی قینقاع و بنی نضیر و بنی قریظه که از سالها قبل از ظهور در یثرب زندگی می کردند پیوسته از ظهور پیامبری که به ظهور می کند سخن رانده و در تقابل های سیاسی و اجتماعی خود در برابر مشرکان از این اهرم وام می گرفتند. اما با ظهور اسلام و رسالت رسول گرامی اسلام در طول ۲۳ دعوت پیامبر (ص) ایشان به تقابل جدی با رسول خدا پرداخته و به یکی از نیرومندترین جریانات مخالف دعوت تبدیل شده و به سان مشرکان لجوج حتی تا تقابل های خطرناک و خونین هم با رسول خدا و مسلمانان پیش رفتند. طبعاً آنچه که در بادی امر به صورت یک مسأله جدی رخ می نماید تقابل عمیقی است که تا قبل از ظهور منظر خود یهود هرگز انتظار آن نمی رفت بلکه چنانکه گفته شد یهود از ظهور قریب الوقوع پیامبری در حجاز به عنوان اهرم فشاری بر ضد مشرکان بهره می جستند. راس این تقابل از کجا ناشی شد؟ علت تقابل کنشگری پیامبر خدا بر ضد یهود است؟ و یا ریشه این تقابل ها و آغاز گر تقابل ها خود یهود بودند؟ از آنجاکه نمی توان اصل وجود تقابل میان مسلمین و یهود را در عصر رسالت انکار کرد ناگزیر پاسخگویی و ریشه یابی علل این تقابل می تواند منشأ تغییر نگاه نسبت به حوض صدر اسلام و موقف رسول خدا و قرآن و نیز موقف یهود و نیز نیل به یک قضاوت شایسته تر در امر تاریخی باشد که خود در فلسفه انتقادی تاریخ به عنوان تبیین امر واقع که بوده است نه آنچنان که می خواهیم باشد امری ضروری و قابل تحقیق می باشد. از سویی چنانکه خواهیم دید تحقیقات و مقالات متأخر هم اگر چه به این تقابل ها و اشاره کرده اند اما به صورت متمرکز بر شناسایی دقیق این علل و تحلیل آنها در قالب یک نظریه یا دست کم در قالب یک الگوی نظری نپرداخته اند.

بنابراین هدف اصلی مقاله حاضر تبیین این تقابل و بررسی علل واقعی آنها در قالب متغیرهای اصلی و مستقل می‌باشد به نحوی که بتوان در پرتو آنها توجیهی منطقی انواع تقابلی که با رسول خدا داشتند به دست داد. از همین رو تقابلاتی که از آنها یاد خواهد شد همه در قالب متغیرهای وابسته‌ای قلمداد می‌شوند که ناشی از آن علل بنابراین نکته کانونی در تبیین این تقابل‌ها اثبات علل اصلی این تقابل‌ها با ادله و شواهد و مستندات معتبر تاریخی است. در راستای تحقق فرضیه و اهداف از پیش گفته، ناگزیر مسایلی که در طول مقاله مطرح می‌گردند به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست انواع تقابل‌هایی است یهود و مسلمین و پیامبر (ص) ایجاد شده و دسته دوم انواع دلایلی است که می‌توانند ریشه آن تقابل‌ها به شمار آیند. عللی که متوجه یهود بوده و شاید خود ریشه شخصیت فردی و اجتماعی ایشان و نیز معرفت‌شناسی تفکرات و تفاسیر خاصی است که در تقابل با اندیشه‌های قرآنی داشته‌اند. بنابراین دو دسته از مسایل فوق هر تقابلی و متغیرهای وابسته را نشان می‌دهند و هم علت تقابل‌ها و به دیگر سخن متغیرهای اصلی و مستقل را باز می‌نمایند که محقق می‌کوشد رابطه معنا داری میان متغیرهای دو گانه ایجاد نموده و به نتایج منطبق با راهبرد و الگوی نظری و نیز معطوف بر عنوان اصلی مقاله دست یابد

۱. چارچوب مفاهیم

پژوهش حاضر در تعریف مفاهیم محوری نظیر دعوت اسلامی، یهود، مقابله و انواع مقابله، دعوت را مصداق آیه شریفه «له دعوة الحق» (رعد، ۱۴) و همان تبلیغ اسلام مردم به توحید و تعلیم و التزام آنان به اسلام با استفاده از قواعد و اصول معرفی می‌کند که اگر مدعوین از پذیرش دعوت روی گردان شوند، بر پیامبران وظیفه دیگر و تبلیغ نیست: زیرا هدایت تنها در دست خداست و تا خدا نخواهد هیچ کس قادر به هدایت مردم نیست (مائده، ۹۹، نور، ۵۴). هرچند در معناشناسی یهود، همان قوم بنی اسرائیل و نسل یعقوب نبی متبادر میشود که در طول تاریخ حضور داشته و ماجراهایی را رقم زده‌اند، اما منظور از یهود تحقیق حاضر همان یهودیان زمان پیامبر در یثرب بودند که عمدتاً با سه قبیله بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و قبل از ظهور پیامبر به تبلیغ پیامبر خاتم‌الامتاه پس از ظهور آن حضرت، مدعی خویش را کتمان و سپس به مقابله با پیامبر برخاستند.

در مفهوم‌شناسی مقابله و انواع آن گرچه می‌توان شیوه‌های مختلفی را تحلیل و تبیین نمود، اما منظور این پژوهش در بین انواع مقابله‌ها، مقابله و مواجهه فکری یهودیان با پیامبر بود که در موقعیت‌های مختلف با مناظره‌های مستقیم و گاهی به صورت غیر مستقیم با عملیات روانی جهت تشویش افکار عمومی نمود پیدا می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

در باره پیشینه تحقیق حاضر باید گفت، هرچند تحقیقات گسترده در این زمینه‌ها صورت گرفته‌است اما هیچ‌کدام از آنها موضوع مقاله حاضر را با استقلال و به تفصیل و در صورت عمیق و دقیق مطرح‌نموده‌اند. اما کتب و مقالاتی مشابه با عنوان و محتوای پژوهش حاضر وجود دارد که عبارتند از: کتاب «تاریخ اسلام و یهود» نوشته سید جعفر کشفی از ویژگی‌های شاخص این کتاب آن است که علاوه بر استفاده از آیات قرآنی به عنوان منبعی روشن‌نگر در مباحث تاریخی، به نمونه‌های قرآنی بسیاری هم اشاره است. در ضمن، فصل بزرگی تحت عنوان یهود در قرآن آورده که به مباحث مطرح شده در قرآن در باره یهود پرداخته است. نکته مهم اینکه در این کتاب به مباحث یهود با پیامبر در مسائل اختلافی اشاره‌ای نشده است. کتاب «تاریخ تحلیلی اسلام» از شهیدی " و رحمت نبوی خشونت جاهلی " از اداک به بیان انگیزه‌های دشمنان پیامبر (ص) بعد از انعقاد پیمان به صورت موردی و نیز پاسخ به آمار و ارقام کشته شدگان بنی قریظه پرداخته‌اند. پایان‌نامه « مطالعه تطبیقی گزارش‌های تاریخی قرآن از منابع منتخب در باره تعامل رسول خدا (ص) با یهود » اثر حسینی کجانی با راهنمایی دکتر جباری و مشاوره دکتر دانش کیا در بهمن ۱۳۹۶ دفاع صورت گرفته، نگارنده پایان‌نامه خود به تشابه و تمایز گزارش‌های قرآنی با الگوپذیری نگرشی و پردازشی آن و منابع منتخب در باره کیفیت تعامل و مواجهه رسول خدا با یهودیان پرداخته هیچ‌گونه اشاره‌ای به گفتمان انحرافی یهودیان به عنوان مهمترین عامل حسادت ورزی با پیامبر اسلام و نیز پاسخ پیامبر (ص) به آنان گزارشی ارائه نکرده است. مقاله بررسی انعکاس غزوه بنی نضیر در قرآن کریم با تاکید بر الگوی نگرشی و نگارشی تاریخ نگاری قرآن « نوشته همین نویسنده به صورت موردی فقط به انعکاس جنگ با تاکید بر الگوی نگرشی و نگارشی قرآن پرداخته و هیچ‌گونه اشاره‌ای به دلائل و اهداف گفتگوی یهودیان با پیامبر (ص) و شیوه پاسخ‌دهی پیامبر (ص) با آنان را ندارد.

«عملکرد یهود در برابر حکومت نبوی» از سید سعید روحانی و مقاله «عملیات یهود برای مقابله با پیامبر(ص) در رد پای یهود در حوادث صدر اسلام» از سید هادی علی عملکرد خصمانه یهودیان در برابر پیامبر(ص) را ناشی از آموزه‌های پیامبر(ص) دانسته که آنان را از رسیدن به اهداف زیسته‌شان بازمی‌داشتند. مقاله «آمار کشتگان غز قریظه: پژوهشی بر پایه روش تحلیل اسناد متن» از مهدی ملک محمدی نگاشته شده که به‌طور کلی رویکردهای پژوهشگران در باره شبهه و اعداد و ارقام کشته‌شدگان یهود بنی قریظه را به چهار دسته تقسیم کرده که از آن میان دو رویکرد کلامی با پذیرش ضمنی اعداد ۴۰۰ تا ۹۰۰ تن متضاد و در مقابل یکدیگرند اما سومین با رویکرد پاره‌ای استبعاد را برای نقد و بررسی ارقام یاد شده مطرح می‌کند. رویکرد چهارم بدون اظهار نظر قطعی سکوت را ترجیح می‌دهد. مقاله «شیوه‌های مدیریتی پیامبر(ص) درم‌گرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام» از هدیه تقوی است که به تأسیس بازار برای رونق اقتصادی و رفع مایحتاج مسلمانان در مسیر اقتصادی که تجاری، مستقل از بازارهای یهودیان اشاره دارد. این بازارها که با سازوکارهای جدیدی متناسب با آموزه‌های اسلامی بر لزوم برپایی قسط و عدل در جامعه بود با سنت اقتصادی گذشته مقابله و خللی در قدرت اقتصادی یهود و تسلط آنان بر بخش‌های اقتصادی مدینه از جمله بازار شد که مانع دخالت و نفوذ آنان در اقتصاد گردید و آن را به‌عنوان یکی از علل عناصر تقابل آنان به اسلام دانست. مقاله «راهبردهای مدیریت فرهنگی اجتماعی پیامبر(ص) در مواجهه با یهودیان» اثر ابراهیم کارگران که راهبرد اساسی پیامبر(ص) دستیابی به استقلال فرهنگی و خنثی سازی و مقاومت‌سازی مسلمانان در مقابله با جنگ فرهنگی پرداخته‌است و نیز «راهبردهای مدیریت امنیتی پیامبر اکرم(ص) در مواجهه با یهودیان مدینه» اثر دیگر از همین نویسنده است که به سه راهبرد اساسی پیامبر(ص): صلح و زندگی مسالمت آمیز، عدالت محقق یهود و جنگ و برخورد سخت با یهودیان اشاره کرده‌است. مقاله «ترسیم چهره یهود از دیدگاه قرآن کریم» اثر محمد خزاعی است که تصویری از قرآن در رابطه با عاقبت یهودیان از اینکه بارها مورد مذمت اسلام و به عنوان دشمن دیرینه اسلام هستند پرداخته‌است. مقاله «رفتارشناسی پیامبر(ص) در تعاملات اجتماعی با یهودیان» نوشته زهرا مهدوی فخر که به سه شاخص اصلی صبر، مدارا و قاطعیت در برخورد با یهودیان با تأکید بر پیمان‌نامه میان مسلمانان و یهودیان مدینه پرداخته‌است. مقاله «بررسی تطبیقی آخرت از دیدگاه اسلام و یهود» از سیده سوسن فخرازی و عملکرد اقتصادی یهودیان صدر اسلام در شبه جزیره عربی نوشته مهدی علی اکبرن برخی از این پژوهش‌های یاد شده، به گونه‌ای کلی و کلی به انگیزه‌های متفاوت تخصیص یهودیان با پیامبر(ص) و صلح و جنگ میان آنان و نیز بیشتر به شبهه آمار و ارشادندگان غزوه بنی قریظه توجه کردند و برخی دیگر هم در حد کارشناسی و کارشناسی ارشد به موضوعاتی اشاره کردند که در راستای این پژوهش نیست و اشاره‌ای مساله دلایل تقابل یهودیان با تأکید بر حسادت و ورزی متاثر از تعارضات گفتمانی میان دو اندیشه‌ی اسلام و یهود و شیوه گفت و گوی منطقی و استدلالی پیامبر(ص) همگرا کردن آنها نمودند. نوآوری و وجه تمایز پژوهش حاضر در همین نکته نهفته است و سعی بر آن دارد که به ریشه‌ها و دلایل مخالفت و ورزی و حسادت و لجاجت در برابر دعوت اسلامی و سیره نبوی به صورت گفتمان فکری و اعتقادی بپردازد و زمینه‌های تاریخی حسادت و مهمترین عامل آن یعنی تعارضات فکری و اعتقادی گفتگو میان یهودیان و پیامبر اسلام را واکاوی کند.

بنابراین نوشته حاضر تا حد امکان برپایه روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از پاره‌ای شواهد تاریخی و قرآنی مربوط به گزارش‌های تاریخی صدر اسلام، عناصر یاد عنوان عوامل تأثیرگذار ویژه در تقابل یهودیان به پیامبر(ص) و آموزه‌های الهی بررسی کرده‌است.

۳. پیدایش یهود در شبه جزیره عربستان

یهودیان را از این جهت یهودی می‌گویند که شجره‌آنان به یهودا، یکی از فرزندان حضرت یعقوب (ع)، ختم می‌شود (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۶۱۹) و یا اینکه نام قبیل و یا شجره بوده‌است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۴۳۹/۳). گروه‌هایی از این قوم در زمان پیامبر اسلام(ص) در شهر مدینه، و منطقه‌های خیبر و فدک مستقر بودند. براساس روایت‌های تاریخی

دلایل متفاوتی برای کوچ یهودیان از موطن اصلی خود اورشلیم به سرزمین عربستان گزارش شده است. از این میان، عنصر خشونت و فشار حکومت روم بر یهودیان به عامل بیرونی در کوچاندن آنان به این سرزمین می‌توان رایزنی کرد (ابن عبری، ۱۳۶۴: ۱۰۹). از سوی دیگر، آموزه‌های دینی یهود درباره منجی موعود را هم می‌توان به عنوان عامل درونی در کوچیدن آنان گمانه زنی کرد (عهد عتیق، تثنیه، ۱۵: ۱۸، ۱۸: ۱۸-۱۹؛ مزامیر داوود، ۷۲: ۳؛ دانیال نبی، ۱۲: ۲-۳؛ جماعة من اللاهوتیین، ۱۹۹۰: ۳/ ۱) (۲۳۵). از این جهت آنان بر اساس آگاهی از متن دینی خود که آمده بود، به زودی در این مکان پیامبر جدیدی ظهور می‌کند، به عربستان مهاجرت کردند (ابن هشام، ۲۱۱/۱، ۴۲۸، ۴۲۹؛ مرتضی عاملی، ۱۴۲۶: ۱/ ۱۷۴؛ جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۰۲). بنابراین می‌توان گفت شناخت یهودیان از منجی موعود که در متن مقدس آمده بود به انگیزه دینی در کنار سایر انگیزه‌ها همانند مؤلفه‌های سیاسی، اقتصاد و فرهنگی در مهاجرت آنان به سرزمین عربستان به شمار آورد. چنین رهیافتی در روایت گری تا مسلمانان دیده می‌شود (طبری، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۷۸؛ ماوردی، ۱۹۸۷: ۱/ ۱۷۱؛ ۵۴؛ دینوری، ۱۳۹۷: ۱/ ۱۴۲).

چنانکه گفته شد، یهودیان نشانه‌های ظهور رسول خدا (ص) را در کتاب آسمانی خودشان داشتند. قرآن کریم نیز چنین آشنایی یهود از پیامبری را در آیه ۱۴۶ سوره بقره نموده است که اهل کتاب نسبت به هویت پیامبر اسلام که بشارتش در تورات و انجیل آمده همان‌طور که پسران خود را می‌شناختند، شناخت داشتند و قطعاً برخی از آن در حالی که می‌دانستند، می‌پوشاندند و نیز در آیه ۱۵۷ سوره اعراف اشاره دارد به اینکه مومنین آنان از این پیامبر درس نخوانده، که او را نزد خود در تورات و انجیل پیروی می‌کنند. و همچنین قرآن از زبان عیسی بن مریم متذکر می‌شود هنگامی که او در مورد پیامبری خویش به بنی اسرائیل بشارت می‌دهد، اعتقاد خود را در مورد حضرت موسی و تورات بیان می‌کند و نیز در مورد پیامبری که پس از او می‌آید و نامش احمد است، مژده می‌دهد. ولی هنگامی که پیامبر اسلام (ص) دلایل روشن می‌آورد، آن را جادویی آشکار می‌دانند (صف، ۶).

این دسته از آیات بر آن دلالت می‌کنند که یهود پیش از ظهور اسلام، پیامبر آینده را همانند فرزندان خود می‌شناختند (انعام، ۲۰؛ بقره، ۸۹؛ فتح، ۲۹) و حتی از این نسبت به پیامبر آینده، به عنوان مؤلفه راهبرد سیاسی و اهرم بازدارنده در برابر کنشگری‌های خصمانه اعراب، بهره می‌بردند. و اگر از سوی اعراب یثرب احساس خطر کردند، با این مولفه و اهرم آنان را به ظهور پیامبری تهدید می‌کردند که با آمدن او، یهودیان پیرو او بوده و عرب‌ها را به دست او خواهند کشت و قدرت خود را در تثبیت خواهند کرد. این فضای گفتمانی که توسط یهودیان ایجاد شد، زمینه ساز آگاهی اقوام همجوار یهود از وجود پیامبری شد که خواهد آمد و در ادامه زمینه را بر پیشی گرفتن از همدیگر در روی‌آوری به نودینی را فراهم ساخت. بنابراین تحلیل، افزون بر قوم یهود، دو قبیله اوس و خزرج که در کنار آنان همزیستی داشتند، انتظار پیامبری را می‌کشیدند. بر اساس روایت‌های تاریخی، عرب‌های یثرب آرزو می‌کردند که در اطاعت از پیامبر (ص) از یهودیان سبقت بگیرند و یا اینکه به یهودیان می‌آرزو دارند کتابی همانند آنان داشته باشند. چنین همکنشی یهودیان با دو طایفه اوس و خزرج زمینه‌ای شد که در پذیرش اسلام سبقت بگیرند و دین اسلام را بپذیرند. با انعقاد دو پیمان عقبه اول و دوم، مسلمانان مکه را به مدینه فرا بخوانند (ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۲۷، ۴۲۸؛ ابن هشام، بی تا: ۱/ ۴۲۸، ۴۲۹).

۴. مروری بر تقابل‌های یهود و نحوه مواجهه پیامبر (ص)

پیش از آنکه به دلایل تقابل یهودیان با مسلمانان پرداخته شود لازم است تا مروری بر انواع این تقابلات انجام گیرد. جریان ۲۳ ساله مستمر نزول قرآن و ارائه دیدگاه باره تاریخ یهود که در بسیاری از موارد خوشایند یهود نبود از طرفی و از سوی دیگر شکل‌گیری تدریجی یک جامعه نوظهور مسلمان بر پیکره‌های جامعه‌ای که تا آن زمان از دو قطب مشرکان و یهود تشکیل می‌شد و خاصه انتخاب مدینه که محل اصلی سکناى سه قبیله یهودی بود به عنوان مقر حکومت تازه تأسیس شده پیامبر (ص) تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام، جامعه یهود را وادار به نوعی واکنش طبیعی و ضروری می‌کرد که چاره‌ای از آن نداشتند زیرا در نظر ایشان سکوت یا

تفکرات نوین و حرکات فعال ناشی از ظهور اسلام و فعالیت درخشان تبلیغی موفقیت آمیز پیامبر(ص) در تاسیس جامعه ای با ساختارهای سیاسی و مدنی و فرهنگی مذهبی جدید، به معنای استحاله و هضم ایشان در این جامعه نوین می‌شد.

بنابراین تقابل ایشان به دلایلی که خواهیم گفت در انواع مختلفی شروع شد. شرایط اجتماعی مکه خاصه آنکه فاقد جامعه قوم یهود بود و نیز عدم توفیق کامل رسول این شهر طبعاً اقتضایی برای مقابله یهود با ایشان را فراهم نمی‌ساخت اما با مهاجرت موفقیت آمیز ایشان به شهر یثرب که بعداً مدینه نامیده شد اوضاع کاملاً دگرگون تمامی انواع تقابلات یهود یکی پس از دیگری در این شهر رقم خورد.

از سوی دیگر پیروزی مسلمین در جنگ بدر و تغییر قبله در سال دوم و ایجاد قانون اساسی که به موجب آن پیامبر(ص) در رأس جامعه نو ظهور قرار می‌گرفت و یهودیان را به انفعال و انزوا و در نتیجه به واکنش و می‌داشت. این واکنش‌ها گاه در قالب بحث‌ها و محاجاتی بود که با شخص پیامبر(ص) انجام می‌دادند و تمایزات خود را که ناشی از متن تورات بود را اندیشه‌های قرآنی در مسایلی چون تغییر قبله(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵۰۶/۱)، عزیر نبی(طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱-۲۳)، نقش میک جبرائیل در وحی(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵۰۳/۱؛ ابن هشام، بی تا: ۵۴۳/۱)، بشری بودن دین محمد(نساء، ۸۲)، وام گیری محمد از دین یهود(الحاج، ۲۰۰۲: ۲۹۶؛ ز، ۱۳۷۲: ۴) (که نگاهی تحقیرآمیز را نسبت به مسلمین ایجاب می‌کرد)، بود با بیانی تند و صریح و طعنه آمیز و تمسخرگرانه و خصمانه بیان می‌کردند، و گاه در ساح اجتماعیه به درگیری‌های تند لفظی و بدتر از آن جلوه‌گر می‌شد. اما تقابل‌های جدی بر پایه همین تقابل‌های اولیه فکری و مدنی، در جریان جنگ‌های سه گانه مسلمانان به ترتیب در غزوه بنی قینقاع(واقعی، ۱۹۸۹: ۱۷۶/۱) و غزوه بنی نضیر(همان: ج ۳۶۳/۱) و غزوه بنی قریظه(همان: ۴۹۶/۲) شکل گرفت که منجر به تبعید مدینه و در برخی از موارد منجر به کشتار نیروهای جنگی ایشان می‌شد و شکاف اجتماعی و سیاسی ایجاد شده بعد از هجرت را تکمیل کرده به طرد کامل ایشان اسلامی نو ظهور منجر شد.

با وجود سرسختی یهودیان نسبت به دعوت پیامبر(ص) و به انحراف کشاندن گفتگوها و حتی برخورد فیزیکی با پیامبر(ص)، باز رسول خدا نسبت به آنان با رحمت و رفتار می‌کرد. روایتی است دال بر اینکه روزی فردی یهودی از پیامبر اسلام (ص) ادعای طلبکاری می‌کند در صورتی که پیامبر(ص) هرگز به او بدهکار نبود. با این وصف فعلاً چیزی به همراه ندارم اجازه بده بروم ولی فرد یهودی مانع رفتن پیامبر(ص) شد. هر چه لطف و نرمش پیامبر(ص) بیشتر می‌شد خشونت آن فرد افزون‌تر می‌گشت آنجا که با پیامبر(ص) درگیر شد و ردای پیامبر(ص) را دور گردنش کشید به طوری که اثر قرمزی‌اش در گردن پیامبر ظاهر شد. مسلمانان خواستند با آن فرد برخورد پیامبر(ص) اجازه نداد و گفت او را به من واگذارید، من می‌دانم با رفیقم چگونه رفتار کنم. اخلاق کریمانه پیامبر باعث شد آن فرد یهودی اسلام بیاورد و شهادتین را بر جاری کند و بگوید این اخلاق و تحمل و صبر جز از پیامبری بر نمی‌خیزد(مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

گونه دیگر از تقابل یهودیان به اسلام در شیوه گفت و گوی آنان با پیامبر اسلام بوده‌است. به نظرمی‌رسد عناصر گفتگو یهودیان با پیامبر(ص) باعث شد، پرسش‌ها در کشف حقیقت نباشد بلکه با سویه خصمانه به منظور بی‌اعتباری یا وابستگی این آموزه‌ها به گزاره‌های دینی خود بوده‌است. از این جهت طرح این سوالات، با انگیزه تحریف و کشف حقیقت نبود زیرا آنان پیامبر(ص) را چون فرزندان خود می‌شناختند، بلکه به منظور اشکال تراشی، در هم آمیزی حق و باطل، تشویش افکار عامه توده مردم، مشغول ساختن آنان به مسائل فرعی و حاشیه‌ای و منحرف کردن افکار و اندیشه‌ها از مسائل اصلی بود. آنان با طرح این سوالات می‌خواستند شک و تردید پیامبر اسلام(ص) ایجاد کنند. نمونه‌هایی از این گونه پرسش‌ها در روایت برخی مورخین دیده می‌شود.

۱- گروهی از بزرگان یهود نزد پیامبر(ص) آمدند و گفتند: ای محمد چهار سوال از تو می‌پرسیم، اگر پاسخ صحیح بدهی ما به تو ایمان می‌آوریم و قوم ما هم به پیر تو ایمان می‌آورند. پیامبر(ص) از آنان وفای به عهد خواست که چون جواب سوالات را صحیح یافتند، انکار نکنند و به اسلام درآیند. آنان گفتند: ای محمد به ما بگو چه

هنگام تولد شبیه مادر است در حالی که نطفه از پدر است. پیامبر(ص) در جواب فرمود: هیچ می دانید که نطفه مرد غلیظ و سفید است و نطفه زن زرد و تنک است؟ گوییم (ص) گفت: پس بدانید چون نطفه مرد به نطفه زن غلبه کند، فرزند شبیه پدر می شود و اگر نطفه زن بر نطفه مرد غلبه کند فرزند شبیه مادر می گردد. گفتند: گفتم بگو ای محمد، خواب تو چگونه است؟ پیامبر(ص) گفت: هیچ می دانید که موسی(ع) چون می خوابید چشم وی خواب بود و دل وی بیدار؟ گفتند: بله. گفت: خدای تعالی، «تمام عینی و لاینام قلبی» یا «تمام عینی و قلبی یقظان». یهودیان پرسیدند: ای محمد به ما بگو یعقوب(ع) چه غذاهایی را بر خود حرام کرد. پیامبر(ص) گوشت شتر را دوست می داشت و وقتی رنجور می شد و شفا می یافت به شکرانه خداوند شیر و گوشت را بر خود حرام می کرد. گفتند: راست گفتی. بار دیگر پرسیدند: روح چیست؟ پیامبر(ص) گفت: این روح که شما از آن می پرسید جبرئیل است و او چنانچه بر موسی فرود می آمد به من نیز فرود می آید. آنان از جواب چهار سوال در ادامه گفتند: ای محمد این جبرئیل دشمن ماست، خوش خبر نیست، اخبار عذابها و هلاکت قومهای بسیاری را آورده است. اگر به جای جبرئیل، میکائیل پیام خداوند تو می آورد ما به تو ایمان می آوردیم(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵۰۳/۱؛ ابن هشام، بی تا: ۵۴۳/۱). خداوند در رد سخن ایشان آیات ۹۷ و ۹۸ سوره بقره را فرو فرستاد.

۲- بحث در مورد حروف مقطعه و ستیز یهودیان با پیامبر(ص) به زمان نزول قرآن بازمی گردد که یهودیان می خواستند از تطبیق حساب ابعاد خودشان با حروف قرآن، مدت بقاء و دوام اسلام را به دست آورند و پیامبراکرم(ص) با خواندن پیاپی فواتح سور، حساب ایشان را مختل ساخت. روایت در کتب تاریخی چنین آمده است: هنگامی که یهودیان بنی نضیر ساکن در مدینه با «الم» حروف مقطعه آغاز سوره بقره آگاهی یافتند، گروهی از آنان از جمله حی بن اخطب رئیس طایفه بنی نضیر و برادر ابویاسر نزد پیامبر آمدند و به ایشان گفتند: با این که خداوند قبل از تو هم پیامبرانی فرستاده، هیچ پیغمبری مدت سروری و مقدار عمر امتش را نمی دانست ولی تو می دانی چرا که الف «یک»، لام «سی» و میم «چهل» جمعاً هفتاد و یک می شود. وقتی با خواندن پیاپی فواتح صور قرآن از جمله: المص (الف «یک»، لام «سی»، میم «چهل» و جمعاً ۱۶۱)، ال (الف «یک»، لام «سی» و راه «دویست» جمعاً ۲۳۱ و المرأ (الف «یک»، لام «سی»، میم «چهل» و راه «دویست» جمعاً ۲۷۱ مواجه شدند حی بن اخطب و محمد! امر تو بر ما مشتبه شده، نمی دانیم دوران نبوتت کوتاه است یا بلند؟ و پیامبر(ص) این گونه تلاش آنان را جهت تحریف اسلام خنثی کرد(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵۰۵؛ ابن هشام، بی تا: ۵۴۶). یهودیان دلیلی بر گفته خود نیاورده اند، گویا به دنبال این بودند که در آیات قرآن شبهه ایجاد کنند. خداوند در حق این جماعت که از قرآن ایجاد کردند آیه ۷ سوره آل عمران را نازل کرده که قرآن دارای دو بخش است. قسمتی از آن، آیات محکم است. آنها اصل و اساس کتابند و بخش دیگر آن، آیات متشابه است. ولی کسانی که در قلوبشان انحراف از حق است برای فتنه انگیزی و تحریف حقایق از آیات متشابه پیروی می کنند، در صورتی که تفسیر درست و حقیقی قرآن را جز خدا و ثابت قدمان در دانش نمی دانند و خردمندان در علم می گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه آیات از سوی پروردگار ماست. فقط خردمندان هستند می شوند(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵۰۴). آیات متشابه صرفاً مربوط به حروف مقطعه نیست بلکه برخی آیات دیگر قرآن را هم در برمی گیرد.

۳- در مناظره دیگری رافع بن حریمه گفت: ای محمد، اگر تو رسول خدایی و می خواهی که ما از تو پیروی کنیم از خدا بخواه تا با ما سخن گوید و ما سخن وی بشنویم. وقت به تو ایمان آوریم. خداوند در شأن ایشان که از روی تعصب، لجاجت و نادانی سرچشمه گرفته بود، آیات ۱۱۳ و ۱۱۸ سوره بقره را نازل کرد(همان: ۵۰۶/۱).

۴- وقتی با نزول آیه تغییر قبله، قبله گاه مسلمین از بیت المقدس به سمت کعبه تغییر یافت، یهودیان نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای محمد تو ادعا می کنی که ملت ما را برابیم هر دو یکی است؛ پس چرا قبله را از شام به سوی کعبه تغییر دادی؟ اگر می خواهی که ما به دین تو درآییم و از تو پیروی کنیم قبله همچنان به سوی بیت المقدس باشد. آنان به دنبال فتنه انگیزی بودند و می خواستند به پیامبر(ص) بفهمانند که قبله به سمت کعبه باطل است و حق تعالی از خبث آنان خبر داد و آیات ۱۴۳، ۱۴۲ و ۱۴۵ سوره بقره را فرو فرستاد تا به آنان بفهماند که مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند(همانجا).

۵- در مناقشه دیگری راجع به خالق و مخلوق بودن خدا به پیامبر(ص) گفتند: ای محمد خداوند آفریننده هستی است آفریننده خدا کیست؟ این سوال، پیامبر(ص) واکنش شدید واداشت چون چنین سوالی آن هم از کسانی که موحد بودند، دور از انتظار بود. اما خداوند در پاسخ سوره اخلاص را می فرماید(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۱) یهوین با اینکه پاسخ بسیاری از این سوالات را می دانستند این مجادلات آنان با پیامبر(ص) برای کشف حقیقت نبود؛ همانگونه که نوشتیم آنان پیامبر(ص) را چون خود می شناختند، آنان می خواستند شک در نبوت و وحی ایجادکنند و ذهن افکار عمومی را از موضوع مهم و اصل رسالت دورکنند؛ اما خداوند در چنین مواردی به پیامبرش آمده، پاسخ آنان را می داد. پیامبر(ص) می دانست که یهودیان چه انگیزه‌ای از این درخواست‌ها دارند. قرآن کریم در آیات ۶۷ تا ۷۱ سوره بقره، آیات ۸۶ تا ۹۸، آیه ۱۵۰ سوره اعراف، آیات ۱۹ تا ۲۶ سوره مائده و دیگر آیات اشاره دارد که آنان در زمان حضرت موسی نیز چنین درخواست‌هایی را داشتند و با توجه به اینکه خدا درخواست‌های آنان جواب داده بود اما آنان باز هم ایمان نیاوردند. پیامبر(ص) به بهانه‌جویی‌های آنان توجه نکرد و با صبر و بردباری راه خود را که برای آن مبعوث شد پیمود و آنان هرگز نتوانستند با شیوه‌های منحرف کردن افکار، پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان را از راهشان بازدارند.

با وجود عناد و سرکشی و حسادت که جریان غالب در موضع‌گیری‌های یهود بود، تنی چند از بزرگانشان از جمله عبدالله بن سلام و مخیریق، دعوت اسلام را پذیرا شدند. دین اسلام درآمد. مخیریق یکی از بزرگان طائفه بنی قینقاع و از اندیشمندان آنان به حساب می آمد که در پیمان عدم تعرض قبایل یهودی مدینه با پیامبر(ص)، نماز خود بود. هنگام جنگ احد به قوم خود گفت: «می دانید که محمد پیامبر خداست و باید او را یاری کنیم». مخیریق به جنگ احد آمد و همراه مسلمانان جنگید تا آنکه پیامبر(ص) در وصف او گفت: «مخیریق بهترین یهودیان بود» (ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۱/۴۰۴-۵۰۵). وی که مردی ثروتمند بود(همانجا)، قبل از رفتن به جنگ وصیت کرد که اگر کشته شد اموالش که شامل نخلستان‌های هفت گانه اعوف، صافیه، برقه، دلال، میثب، حسنی و مشربه ام ابراهیم می شد، به پیامبر(ص) تعلق گیرد. گفته شده است که پیامبر(ص) در مدینه عموماً از همین اموال مخیریق بود(ابن هشام، بی تا: ۱/۵۱۸؛ واقدی، ۱۹۸۹: ۱/۲۶۳). پیامبر اموال او را وقف کرد و این وقف اولین صدقه در اسلام بود. پیامبر(ص) از خود برجا گذاشته است(ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۱/۵۰۶، ۵۰۴). تاریخ در مورد اسلام آوردن او صراحت ندارد ولی با این وصف در جنگ احد شرکت کرد و شهادت رسید و به دستور پیامبر(ص) در قبرستان مسلمانان دفن شد.

عبدالله بن سلام، یکی دیگر از عالمان و بزرگان یهودی بود. کنیه اش ابویوسف است. نام او در روزگار جاهلیت «حصین» بود. پیامبر(ص) پس از اسلام آوردن، او را عبدالمطلب نامید و در خلافت معاویه سال ۴۳ هجری در مدینه وفات یافت(ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۳/۳۲۱). وی از احبار و بزرگان یهود بنی قینقاع و هم‌پیمان انصار از بنی عوف بن خزیمه بود. همچنین او را از نوادگان یوسف بن یعقوب و از عالمان دین یهود دانسته‌اند. پسرانش یوسف و محمد، انس بن مالک و زراره بن اوفی از او حدیث نقل کرده‌اند(همانجا: ۱۹۶۵/۱۶۰).

او در غزوه بنی نضیر همراه مسلمانان شرکت داشت. پیامبر(ص) دستور داد تا نخل‌های خرما را قطع کنند و بسوزانند. پیامبر(ص) او و ابولیلی مازنی را مأمور این کار کرد. بهترین نوع درختان خرما یعنی درختان عجوه را قطع می کرد ولی عبدالله بن سلام از سر تعصب به قومش درخت‌های نر و کم بار را می برید(واقدی، ۱۹۸۹: ۱/۳۷۲). او بعد از پیامبر(ص) جای تأمل دارد و چهره اش مخدوش است و حمایت او از عثمان، بیعت نکردن با علی(ع) و وارد کردن اسرائیلیات در متون تفسیری باعث شده شخصیتی مبهم و تردیدآمیز داشته باشد(نک: ابن قتیبه، ۱۹۹۰: ۱/۲۱۷، ۲۲۳).

۵. دلایل تقابل یهودیان با پیامبر اسلام(ص)

تا کنون انواع تقابلهای یهود با پیامبر اسلام و نیز رویه کلی پیامبر(ص) با ایشان و نیز نوع منفی ایشان در این محاجات و تقابلهای بیان شد. اینها همه در حوزه متغیرهای وابسته و ناشی از متغیرهای اصلی است. اینک لازم است تا به بررسی متغیرهای اصلی و در واقع ریشه ها و علل اصلی مواجهه تقابلی و خصمانه ایشان با اسلامی پرداخته شود.

۱-۶. حسادت و غرور و خود برتر بینی نژادی

حسادت و ورزی یهودیان به پیامبر(ص) یکی از مؤلفه های انگیزشی دشمنی آنان با بنیان گذار دین نوین بوده است. این شاخصه روان شناختی ناشی از روحیه نژادپرستی بود. بر پایه روایت های تاریخی عنصر حسادت در اوان کودکی پیامبر(ص) از سوی یهودیان بازنمایی شد. در روایتی، زمانی که بحیرا، راهب مسیحی، رسول خدا(ص) را در دیر خود دید او را شناخت، از ابوطالب درخواست کرد از ادامه سفر او به شام منصرف شود و گفت: او را از یهود دور کنند! چون او عرب است و یهود پیامبر موعودی غد اسرائیل را نمی پذیرد و به او حسادت می ورزد (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱۲۳/۱). بر اساس این روایت، علت این حسادت به انتقال امر رسالت از خاندان بنی اسرائیل به خاندان بازمی گردد. چنین پدیده برتری جویی یهودیان در مدینه هم ادامه یافت. آنان در ابتدا با پیامبر(ص) هم پیمان شده و سپس با شعله ور شدن عنصر حسادت، عهد را نه به مخالفت با پیامبر(ص) و آموزه هایش پرداختند. پس از جنگ بدر، بنی قینقاع، پس از جنگ احد، بنی نضیر و در حین جنگ خندق، بنی قریظه، پیمان شکنی کرد پیمان شکنی بنی قریظه، از زبان کعب بن اسد، رئیس آنان، حسادتی بوده که یهودیان به پیامبر اسلام داشتند. این حسادت باعث شد که آنان بشارت تورات را نسبت نادیده بگیرند و به او ایمان نیاورند، چون این پیامبر از نسل اسماعیل است (ابن هشام، بی تا: ۲۳۵/۲-۲۳۶؛ سبحانی، بی تا: ۱۴۹/۲؛ صفائی حائری، ۱۳۸۸: ۱۸۵/۱).

قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره آل عمران و آیه ۱۴۶ سوره بقره منش حسادت و رزانه آنان را بازتاب داده در حالیکه حق را می دانند نیمه روز اسلام می آورند و عصر از اسلام برمی گردند تا از این طریق آن را با باطل بپوشانند و با توجه به گستره شناختی یهودیان از پیامبر(ص) به گونه ای که همانند فرزندان نشان او را می شناختند، حق را می کردند. در ادامه قرآن کریم دلیل حسادت یهودیان را نژادپرستی آنها دانسته؛ زیرا پیامبر(ص) از بنی اسرائیل نبود بلکه از نسل اسماعیل و ابراهیم بود. «أَمْ يَحْسُدُونَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نسا، ۵۴).

۲-۶. تعارضات فکری

اساسا نوع نگاه و تفکر یهود نسبت به اسلام و مسلمین نگاهی تحقیر آمیز مبتنی بر جعلی بودن این دین و اصالت دین خود و نیز مبتنی بر الهی بودن دین خود و بدین اسلام بوده است. این نوع نگاه خود یکی از علت العلل تقابلات دایمی ایشان با دعوت اسلامی بوده است.

۳-۶. اصالت دادن به دین خود

دین یهود و اسلام هر یک از حیث گفتمانی دارای مؤلفه ها و گزاره هایی بوده اند که اقتضای آن ایجاد شکاف و عدم تفاهم و دوری از هم افزایی را داشت. فضای اشتراک گفتمان بین پیروان این دو در صدر اسلام را نمی توان با نظریه های هم افزایی گفتمانی میلز و دیگران تطبیق داد (میلز، ۱۳۸۲: ۸۴، ۱۵۸؛ یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱). بر این اساس فضای گفتمانی کتاب مقدس و قرآن کریم، که از جهت مؤلفه های متنی و عناصر تشکیل دهنده آن با یکدیگر متفاوتند از حیث خوانشگر پیروان هر یک نیز می توانست قاعده گفتمانی خاص خودش را ایجاد کند. ساختار گفتمانی یهودیان همزمان رسالت پیامبر(ص) بر مدار زبان شناختی و جامعه ویژه بود که ایدئولوژی خاصی را برای آنان ایجاد نمود. از مهم ترین شاخص های گفتمان یهودی در این دوران باور به اخذ و اقتباس متن وحیانی از متون مقدس است.

۱. میلز گفتمان را رویه ضابطه مندی می داند که شماری از احکام را توضیح می دهد. توجه به قواعد و ساختارهایی که پاره گفتارها و متن خاص را تولید می کند، ماهیت قاعده مند گفتمان است که در این تعریف اهمیت عمده دارد (میلز، ۱۴: ۱۳۸۲) ولی یهودیان زمان پیامبر(ص) با طرح گزاره گفتمان که در متن به آن اشاره شده در پی کشف حقیقت نبودند بلکه به دنبال تشویش افکار عامه بودند.

نگره آنان متن دینی خود را غنی، مولد و کهن تلقی نموده و متن دینی مسلمانان را تبعی و فرودست دانسته که از آبشخور دینی آنان تغذیه می‌نماید. در این تحلیل گفتمانی با دیگری ارتباط برقرار کرده و همدیگر را پشتیبانی می‌کنند. به این معنا که اسلام از خود استعدادی نداشته و منبعی وابسته بوده که آموزه‌هایش در گستر امور اعتقادی، احکام و قصص را از یهودیت برگرفته است (الحاج، ۲۰۰۲: ۲۹۶). در پندار یهودیان، دین اسلام منابع معتبر نداشته تا قوانین ضروری را به پیروان عرضه نچار شده از مقررات دینی یهودیت، اقتباس کرده و خود را بازسازی نماید. از این جهت برای شعائر دینی خود همانند نماز نیاز به قبله داشت که از منبع دین یهود اقتباس کرد (زیدان، ۱۳۷۲: ۱۴). چنین نگرشی لازمه‌اش این است که مسلمانان در هم‌کنشی با یهودیان بوده و با متن دینی آنان هم، انس داشته باشند. حال قرآن کریم در آیه ۵۱ سوره مائده مسلمانان را از هم‌کنشی دوستانه با یهود باز داشته است. «ای کسانی که ایمان آوردید یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید که بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری خدا گروه ستم‌گران را راه نمی‌نماید. گامی فراتر قرآن کریم با طرح تحریف متون مقدس پیشین، به نوعی استقلال متن دین اسلام را استدلال نموده است (بقره، ۵۹، ۷۵، ۱۵۹، ۱۷۴؛ نساء، ۴۶؛ انعام، ۹۱-۹۴-۶. بشری انگاشتن نبوت رسول اسلام

بشری خوانی قرآن کریم از دیگر مؤلفه گفتمانی یهودی است که قرآن کریم در آیه ۸۲ سوره نساء به آن واکنش نشان داده است که آیا به قرآن تدبر نمی‌کنید اگر از بود در آن اختلاف بسیار می‌یافتید. همچنین رگه‌هایی از این‌گونه واکنش‌های قرآنی در سوره‌های اسراء، ۸۸؛ هود، ۱۳؛ یونس، ۳۷ و بقره، ۲۳-۲۴، بازتاب یافته که افراد فراخوانی افراد به همانند آوری قرآن کریم، در پی تایید و حیانی بودن آموزه‌های اسلامی و پاسخ به مؤلفه گفتمانی بشری خوانی است.

۵-۶. تقابل های فکری و اعتقادی

از دیگر علل تقابل اختلاف در گستره اعتقاد است. در نمونه‌ای، روایت‌های تاریخی گفتگوی یهودیان با پیامبر (ص) درباره الوهیت عزیر نبی را گزارش کردند. در این روایت یهودیان نزد پیامبر (ص) آمدند تا با مطرح کردن الوهیت حضرت عزیر مبنی بر این‌که او پسر خداست، او را در عقیده با خود همراه کنند و در صورت مخالفت، با او ورزند. استدلال آنان چنین بود که عزیر تورات را پس از متروک شدن احیاء کرد. وقتی با استدلال پیامبر (ص) و استقلال آموزه‌های دینی اسلام مواجه شدند از این‌که چنین باشد موسی که تورات بر او نازل شده و معجزات زیادی که خود می‌دانند از او مشاهده گردیده در این مقام شایسته‌تر است. بر اساس منطق آنان موسی نیز باید مقامی بالاتر از مقام عزیر باشد. دیگر اینکه اگر منظور آنان این باشد که خداوند چون مخلوق همسری برای خود برگزیده و عزیر از او متولد شده این خطای محض است. آنان پروردگار جهان را یکی از موجودات مادی و محدود جهان تصور کردند و به او صفاتی چون مخلوق داده‌اند. یهودیان با ادعان بر این‌که اگر چنین تصویری باشد و نادانی است، گفتند: منظور ما از ولادت چیز دیگری است. به خاطر این‌که پاسخی در مقابل پیامبر (ص) داشته باشند به فکر توجیه برآمدند و پسر خدا بودن را تشریح شاگرد و استاد کردند که استاد به شاگرد خود پسر خطاب می‌کند و گفتند: مراد ما از ولادت این معنی است، و مقصود ما از پسر خدا بودن احترام و عظمت است، هر ولادتی در کار نباشد، این توجیه آنان توجیهی غیرمنطقی بود و پیامبر اسلام در پاسخ توجیه آنان همان پاسخ را داد، زیرا بر اساس این تعبیر، موسی (ع) برای این مقام شایسته تر بوده است. بدرستی که خداوند با اقرار اهل باطل حق و حقیقت را به آنان نشان می‌دهد، و حجت را علیه ایشان بر می‌گرداند، این توجیهی که به آن استناد نمودند آن‌ها را به راهی دشوارتر از آنچه گفتند می‌اندازد؛ زیرا آن‌ها گفتند: یکی از بزرگان ما بدون اثبات ولادت به غریبه‌ای می‌گوید: ای پسر من، و یا تو پسر من هستی دیگری نیز می‌گوید: تو شیخ و استاد و پدر من هستی. هر چه احترامش بیشتر باشد آن سخن محترمانه‌تر خواهد بود. بر اساس این عقیده لازم است موسی بن

۲. آیه ۱۲۰ سوره بقره خواسته های اهل کتاب برای هم‌کنشی با مسلمانان را بازتاب داده است.

عمران، پدر، استاد، برادر یا مولای خدا باشد تا فضیلت آن حضرت نسبت به خدا داده شود؟ یهودیان پاسخی نداشتند، بدهند تا توجیه خود را تکمیل تر کنند و از پاسخ رس مات و مبهوت شده و اجازه خواستند در این زمینه بیشتر تأمل و تفکر کنند. پیامبر(ص) در حق آنان دعا کرد و از آنان خواست با نیت پاک و انصاف در گفتار، در عقید فکر کنند تا خداوند متعال حقیقت را به آنان بنمایاند(طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱-۲۳؛ طالب خان، ۲۰۰۶: ۱۲۵-۱۲۸).

۶-۶. تعارض منافع سیاسی و اقتصادی

تا قبل از ظهور اسلام و هجرت پیامبر اسلام به مدینه و تاسیس اولین حکومت متمرکز اسلام در این شهر یهود یثرب از جایگاه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برجسته خودردار بوده و همواره هم سنگ و هم شأن قبایل قدرتمند اوس و خزرج به شمار می آمدند، تا جایی که قبایل مشرک برای بر هم زدن تعادل قوای سیاسی به نفع متوسل به حلف با قبایل یهود می شدند و از جمله پیمان اوسیان با ایشان مشهور است^۲، پیمانی که خزرج را برای جلب هم پیمانان جدید در مقابل اتحادیه اوس و مکه کشانید(طبری، ۱۴۱۵: ۳۵۲/۲-۳۵۳). چنانکه آمد اساسا مهاجرت پیامبر و مسلمانان به مدینه ساختار نوین سیاسی اجتماعی را بنیاد نهاد که به موجب آن اگر هم در ذیل حمایت و قانون اساسی جدید مسلمین قرار گرفتند اما به شدت از موقعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قبل فاصله گرفته و تضعیف شدند. در جریان بنی قینقاع در سال دوم هجرت(ابن هشام، بی تا: ۴۷/۲-۴۸) در بازار بر سر اهانت بر زنی مسلمان مجبور به ترک مدینه شدند و لاقبل این قبیله موقعیت اقتصادی - بازار مهم مدینه از دست داد و به همین روال قبایل بعدی هم به شدت منافع اقتصادی خود را در مخاطره دانسته و در موقعیت های لازم بر خلاف تعهد خود به پیمان از قرار های مالی خود سر بر می تافتند که عملکرد قبیله بنی نضیر از همین قبیل است(طبری، ۱۴۱۵: ۵۵۱/۲). در جریان قوی ترین اردوکنشی مشرکان یعنی احزاب مدینه که به غزوه خندق منجر شد باز ماندگان بنی نضیر از مشاوران و مشوقان اصلی جنگ بودند(یعقوبی، بی تا: ۵۰/۲؛ طبری، ۱۴۱۵: ۵۶۵/۲) و در بحبویه محاصره در جنگ خندق، این یهود بنی قریظه بودند که با خیال تمام شدن کار مسلمین در درون مدینه آشوبی راه انداخته بودند(واقدی، مغازی، ۴۵۴/۲-۴۵۸) و این همه عناد آن هم به صورت خیانت نظامی صرفا نمی تواند دواعی فکری و عقیدتی داشته باشد بلکه می بایست قسمت مهمی از این رفتارها را در ارتباط با منافع در خطر یهودیان در حجاز بعد از اسلام تفسیر کرد. خصوصا ایجاد بازارها با فرهنگ اسلامی مانع دخالت آنان در اقتصاد مدینه گردید که در پیشینه به آن اشاره شده است.

۷. نتیجه گیری

این مقاله بر اساس شاخصه های گفتمان یهودی به اثربخشی این گفتمان در سده آغازین اسلام و شیوه واگرایانه یهودیان به پیامبر(ص) و آموزه هایش پرداخت. در رفتار واگرایانه، یهودیان با مؤلفه های حسادت ورزی و اقتباس در پی بازنمایی چیرگی آموزه های متن مقدس شان بر دین نوین بودند. هدف از چنین واگرایانه، آسیب پیامبر(ص) و آموزه های اسلامی بوده است. بررسی آیات قرآن و منابع و مستندات تاریخی نشان می دهد که علت اصلی عناد یهود با اسلام و مسلمین و پیامبر اسلام حسادت ایشان به واسطه خروج نبوت از خاندان اسحاق به اسماعیل بوده است در عین حال زمینه ها و مسایل اختلافی فکری بسیار دیگری هم وجود داشت که عناد لجاجت های ایشان را تشدید می کرد، از جمله: تغییر قبله، حکم ربا، مجازات سنگسار، ایجاد بازارها بر پایه آموزه های دینی، الوهیت پیامبر عزیز، نقش جبرئیل به عناد میان پیامبر و خداوند و موارد دیگر که خطری برای منافع اقتصادی و فرهنگی یهودیان محسوب می شدند. این همه اختلافات باعث می گردید که آنان بطور متوالی مجادلاتی را با پیامبر(ص) داشته باشند. این گفتگوی آنان نه از سر شک و تردید در باره صدق ادعای پیامبر(ص) بلکه به منظور شبهه افکنی در اندیشه اسلام از جبرئیل به عنوان مأمور وحی، اهداف کاربرد حروف مقطعه در قرآن و غیره بود. پیامبر(ص) با متانت و صبوری و با کمک وحی در پی خنثی سازی شبهات آنان برآه

۲. از جمله درگیری اوس و خزرج در باعث و جستجوی خزرجیان برای هم پیمانی از قریش. ذهبی، ۱۴۱۳ ق/ ۹۹۳ م: ج ۱، ص ۲۸۸.

گفتگوی پیامبر(ص) که از روی منطق و استدلال قوی و با محوریت حکمت، پند نیکو و مجادله احسن بود باعث روی آوردن حداقلی تعدادی از احبار و بزرگان یهود اسلام شد؛ شیوه‌ای که ائمه و بزرگان دین اسلام در مناظرات خود با مخالفان از آن الگو می‌گرفتند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم

۲. کتاب مقدس

۳. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله (۶۵۶ هـ.ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۵ م.

۴. ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری (۶۳۰ هـ.ق)، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دار الفکر، ۱۹۶۵، ۱۹۸۹ م.

۵. ابن اسحاق، محمد (۱۵۱ هـ.ق)، سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه، تحقیق اصغر مهدوی، خوارزمی، ۱۳۷۷.

۶. ابن سعد، محمد بن سعد (۲۳۰ هـ.ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۸ م.

۷. ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن (۶۸۵ هـ.ق)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، چاپ اول، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۶۴.

۸. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۲ م.

۹. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۲۷۶ هـ.ق)، الامامة والسیاسیة، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۹۹۰ م.

۱۰. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف (۲۷۶ هـ.ق)، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: هیئته المصریة العامه للکتاب، ۱۹۹۲ م.

۱۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ۱۳۶۳.

۱۲. ابن هشام، عبدالملک (۲۱۸ هـ.ق)، السیره النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، بی تا.

۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۲۸۹ هـ.ق)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.

۱۴. جعفریان، رسول، سیره رسول خدا(ص)، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.

۱۵. جماعة من اللاهوتیین، تفسیر الکتاب المقدس، چاپ دوم، بیروت: ارمنشورات النفر، ۱۹۹۰ م.

۱۶. الحاج، سالم، نقد الخطاب الاستشراقی، بنغازی: دارالمدار الاسلامی، ۲۰۰۲ م.

۱۷. حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.

۱۸. دینوری، عبدالله بن مسلم (۲۷۶ هـ.ق)، غریب الحدیث، بغداد، ۱۳۹۷ هـ.ق.

۱۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ط الثانية، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.

۲۰. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.

۲۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.

۲۲. صفائی حائری، عباس، تاریخ اسلام، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۸.

۲۳. طالب خان، مائة صورة مشرقه من حياة المصطفى (ص)، بیروت: دارالارشاد، ۲۰۰۶م.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی (قرن ششم)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳هـ.ق.
۲۵. طبری، محمد بن جریر (۳۱۰هـ.ق)، تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار الکتب العربیة، ۱۴۱۵هـ.ق.
۲۶. ماوردی، أبوالحسن علی بن محمد (۴۵۰هـ.ق)، أعلام النبوة، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۸۷م.
۲۷. مرتضی عاملی، جعفر، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶هـ.ق.
۲۸. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۲۹. میلز، سارا، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران: هزاره سوم، ۱۳۸۲.
۳۰. واقدی، محمد بن عمر (۲۰۷هـ.ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹م.
۳۱. یارمحمدی، لطف الله، درآمدی به گفتمان شناسی، تهران: هرمس، ۱۳۹۱.
۳۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی (م بعد ۲۹۲هـ)، تاریخ یعقوبی، دارصادر، بیروت، بی تا.

Sources With English handwriting

Sources in persian

Quran

J, Salem,(2002), Critique of the Oriental Address, Benghazi: Dar al-Madara al-Islami.

i, Ahmad Ibn Yahya Ibn Jaber,(1988), The Conquest of Countries, Beirut, Dar and Maktab Al-Hilal.

tion of the best theologians, (1973),Al-Sunnah Al-Qawaym Fi Tafsir Asfar Al-Ahd Al-Qadim, vol2, Beirut, Al-Kanayas,
tion, in the Eastem East.

bi, Shams al-Din Muhammad ibn Ahmad, Tarikh al-Islam, researched by Omar Abd al-Salam Tadmari, Beirut: Dar al-
-Arabi, 1413 AH/1993 AD.

, Abdullah Ibn Muslem,(1397AH),Gharib Al-Hadith, Baghdad..

Philip Khalil,(1987), Arab history, translated by Abolghasem Payendeh, Agah Publishing Institute .

d al-Barr, Abu Umar Yusuf ibn Abdullah ibn Muhammad,(1992), Acquisition in the knowledge of the companions,
on Muhammad Muhammad al-Bajawi, Dar al-Jail, Beirut .

al-Hadid, Sharh Nahj al-Balaghah, research by Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut, Darahiyah al-Kitab al-Arabiya, 1965.

Athir, Izz al-Din Abu al-Hasan Ali ibn Muhammad al-Jazri ,(1989, 1965). Asad al-Ghaba fi Maarefa al-Sahaba, Dar al-
r Sader, Beirut, Lebanon .

- Shah, Grigorios Abul Faraj Ahron (685 AH), Tarikh al-Dawl, translated by Mohammad Ali Tajpour and Heshmatullah, first edition, Tehran: Information Institute, 1364.
- Shah, Abdul Malik Al-Humairi Al-Maafari ,(n.d), Al-Nabawiyah biography, research by Mustafa Al-Saqqa and Al-Abyari and Abdul Hafiz Shalabi, Beirut , Dar Al-Ma'rifah.
- Shah, Muhammad ,(1998), The biography of the Messenger of God, translation and composition by Rafi al-Din Ishaq ibn Hamedani Qazi Abarquh, research by Asghar Mahdavi, Kharazmi .
- Shah, Abu al-Fadl Jamal al-Din, Muhammad ibn Makram ,(1984), Lisan al- Arab, Arabic Language, Qom , Division of Field Literature.
- Shah, Muhammad ibn Saad (230 AH), Al-Tabataq al-Kabri, Beirut: Dar Sader, 1968.
- Shah, Abu Muhammad Abdullah ibn Muslim ,(1990), Imamate and politics, research on Ali Shiri, Beirut , Dar al-Kitab al-Arabi.
- Shah, Abu Muhammad Abdullah ibn Muslim ,(1992), Knowledge, research on the wealth of Akkasheh, Cairo, the translation in Egyptian public for the book .
- Shah, Rasool ,(2003), The biography of the Messenger of God (PBUH), Qom , Dalil Ma'rifah.
- Shah, Abu al-Hasan Ali ibn Muhammad,(1986), Announcement of the Prophet, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sara,(2003), Gofman, translated by Fattah Mohammadi, Tehran: Third Millennium Publications.
- Sara Ameli, Ja'far ,(2004), Al-Sahih from the biography of the Great Prophet, Qom , Dar al-Hadith.
- Sara, Morteza,(2006), A Journey in the Prophetic Biography, Tehran , Sadra.
- Shah, Haeri, Abbas ,(2009), History of Islam, Jamkaran Mosque Publications . Sobhani, Jafar,(n.d), Forough Eternity, Qom, Propaganda Office Publications.
- Shah, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir,(1967), THE Tarikh al-Rosol wa al-Moluk(The History of the Messengers and Kings), translated by Mohammad Abu al-Fadl Ibrahim Dar al-Tarath, Beirut.
- Shah, Ahmad ibn Ali ,(1983), Protest against the people of Lajaj, Mashhad, Morteza.
- Shah,(2006),One hundred brilliant images from the life of Muhammad (PBUH), Beirut , Dar al-Arshad.
- Shah, Muhammad ibn Umar ,(1989), Al-Maghazi, research by Marsden Jones, Beirut , Scientific Institute.
- Shah, Mohammadi, Lotfollah,(2012), Introduction to Discourse Studies, Tehran: Hermes..
- Shah, Ahmed bin Abi Yaqoob bin Ja'far bin Wahb, the clear book of Al-Abasi (AD 292 AH), Tarikh Yaqoubi, Dar Sadr, N.D.
- Shah, George,(1993), History of Islamic Civilization, translated by Ali Javaherkalam, Tehran, Amirkabir..